خبر

وام ۷ میلیارد یورویی نروژ به صندوق بین‌المللی پول

■ **فارس:** دولت نروژ با هدف کمک به حل بحران یورو قصد دارد وام هفت میلیاردیورویی در اختیار صندوق بین‌المللی پول قرار دهد. به گزارش آسوشیتدپرس، دولت نروژ قصد دارد این وام ۷/۱ میلیاردیورویی را برای کمک به حل بحران مالی منطقه یورو در اختیار صندوق بین‌المللی پول قرار دهد. بر اساس این گزارش نروژ عضو اتحادیه اروپا نیست و بخش مهمی از درآمدهای بودجه این کشور از محل صادرات نفت و گاز تامین می‌شود. ینس استولتنبرگ، نخست‌وزیر نروژ در این‌باره تاکید کرد این به نفع اقتصاد نروژ خواهد بود تا برای حل بحران مالی منطقه یورو کمک کند. افزایش رشد اقتصادی اروپا به نفع نروژ خواهد بود. وزرای دارایی اروپا در تازه‌ترین نشست خود با پرداخت ۱۵۰ میلیارد یورو کمک مالی به صندوق بین‌المللی پول موافقت کردند تا از این منابع مالی برای حل بحران مالی منطقه یورو استفاده شود. مخالفت انگلیس با این طرح موجب شد منابع مالی مورد نظر وزرای دارایی اروپا به سقف ۲۰۰ میلیارد یورو نرسد. انگلیس در نشست رهبران اروپا در بروکسل نیز با طرح پیشنهادی آلمان و فرانسه برای اصلاح پیمان اقتصادی اروپا مخالفت کرده است.

ارسال لایحه حذف ۴ صفر پول به شورای اقتصاد

اجرا تا پایان سال بعید است

■ **فارس:** سخنگوی کارگروه تحولات اقتصادی از بررسی لایحه حذف چهار صفر پول ملی در شورای اقتصاد خبر داد و گفت: بعید می‌دانم این طرح به امسال برسد. محمدرضا فرزین درباره وضعیت بررسی لایحه حذف چهار صفر از پول ملی در کمیسیون اقتصادی دولت، اظهار داشت: هم‌اکنون بررسی لایحه اصلاح پول ملی در کمیسیون اقتصادی دولت به اتمام رسیده و به شورای اقتصاد ارایه شده است. وی افزود: هر زمان که شورای اقتصاد بررسی‌های خود را درباره لایحه اصلاح پول ملی به اتمام برساند، این طرح نهایی می‌شود. معاون اقتصادی وزیر اقتصاد در ارتباط با اینکه آیا حذف چهار صفر از پول ملی تا پایان سال‌جاری نهایی و اجرا می‌شود، گفت: بعید می‌دانم این طرح به امسال برسد. وی همچنین در بخش دیگری از این گفت‌وگو درباره تنخواه دریافتی دولت از بانک مرکزی در زمان اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها گفت: در سال‌جاری هیچ تنخواه جدیدی از بانک مرکزی دریافت نکردیم. وی ادامه داد: البته هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از تنخواه هشت‌هزار میلیاردی که دریافت کرده بودیم را در این مدت به بانک مرکزی بازگرداندیم.

سعید لیلاز در گفت‌وگو با «شرق»:

فعالان «جنبش وال‌استریت» یک‌درصد آمریکایی‌ها هستند

ادامه از صفحه اول

اما مطابق آمارهای موجود، آمریکا بیشترین وابستگی به سرمایه‌داری محض را در جهان دارد و به نظر می‌رسد همگرایی موردنظر در این مورد صدق کند.

این کاپیتالیستی‌ترین اقتصاد موجود در جهان اساسا در حال تبدیل شدن به یک اقتصاد شبه‌سوسیالیستی است چراکه تامین اجتماعی و حمایت از اقشار فرودست در حال شکل‌گیری بوده و سهم دولت در اقتصاد به حدود ۴۵ تا ۵۰درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. میزان کسری بودجه دولت به۹ تا ۱۰درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است و از همه جالب‌تر اینکه نسبت ضریب جینی یا همان فاصله دهک اول به دهک آخر درآمدی خیلی بدتر از کشورهایی همچون ایران که داعیه اقتصاد غیرسرمایه‌داری را دارند نیست. از طرفی براساس آمار موجود تا ۱۵درصد درآمد ناخالص آمریکا در حوزه سلامت و بهداشت هزینه می‌شود که این میزان نسبت به آنچه در ایران هزینه می‌شود بیش از پنج برابر است.

با توجه به این مقایسه شما آیا می‌توان یک‌سو طیف اقتصادی مدنظر را ایالات‌متحده و طرف دیگر آن را ایران گرفت.

خیر، یک‌طرف این طیف اگر آمریکا باشد طرف دیگر آن اقتصاد چین و ویتنام خواهد بود. اقتصاد ایران بسیار کاپیتالیستی است چراکه اگر کسی به هزینه خود بیمه خدمات‌درمانی نباشد در معرض شدیدترین آسیب‌ها قرار دارد. در ایران اگر عضوی از یک خانواده به بیماری صعب‌العلاج دچار شود آن خانواده به یک‌باره از طبقه متوسط جامعه به طبقه فقیر سقوط می‌کند. ایران به هیچ‌وجه ویژگی‌های اقتصاد سوسیالیستی را ندارد و اقتصاد اروپا به‌مراتب سوسیالیستی‌تر از ایران است.

برگردیم به جنبش وال‌استریت و چرایی پیدایش آن.

اقتصاد ایالات متحده گرچه خیلی از اقتصاد آزاد موردنظر آدام اسمیت فاصله دارد ولی آزادترین اقتصاد موجود در جهان است. ویژگی اصلی این اقتصاد این است که ناتوانان که اکثریت مردم را دربرمی‌گیرند و در دهک‌های پایین درآمدی قرار دارند همواره عصبانی هستند اما هیچ علاقه‌ای برای سرنگونی نظام اقتصادی حاکم ندارند. ویژگی اقتصاد آزاد، وجود فرصت برابر برای رشد و ترقی است که مانع از انقلاب علیه نظام اقتصادی می‌شود. در آمریکا مردم علاقه‌ای برای سقوط نظام سرمایه‌داری ندارند و درنهایت تنها به اعتراض بسنده می‌کنند.

اما در ایران و حتی در خود آمریکا برخی کارشناسان با قاطعیت از سقوط نظام سرمایه‌داری حرف می‌زنند.

یکی از ایرادهای ما در این تحلیل‌ها این است که فکر می‌کنیم نظام سرمایه‌داری یا سوسیالیستی پدیده‌ای است که امکان اصلاح در آن وجود ندارد. اگر شما به اصول اقتصاد آزاد توجه کنید و نظام سرمایه‌داری را با عینک مارکس نبینیم و از منظر علمی به آن نگاه کنیم به این تعریف می‌رسیم که سرمایه‌داری نظامی است که سرمایه در آن حاکم بوده و اقتصاد با حداکثر آزادی حرکت می‌کند. با توجه به این تعریف فئودالیسم را هم می‌توان در آن قرار داد و می‌توان گفت سرمایه‌داری عمر دوهزار ساله دارد نه ۴۰۰ساله. بنابراین غیر از نظام سوسیالیستی سایر نظام‌ها را می‌توان نظام سرمایه‌داری نامید. پس نظام سرمایه‌داری در دوهزار سال گذشته همواره در برابر مشکلات با اصلاحاتی روبه‌رو شده است و به واسطه تغییرات صورت‌گرفته به شکل امروزی درآمده است و در برابر مشکل فعلی نیز اصلاحاتی در راه خواهد بود تا این بحران نیز پشت سر گذاشته شود. استکبار آمریکا حقیقتی غیر قابل انکار است اما کدام کشور را در دنیا می‌توان پیدا کرد که نخواهد قدرت اقتصادی خود را تبدیل به قدرت سیاسی کند.

اما مخالفان سرمایه‌داری بر این باورند که اقتصاد آزاد دیگر کارآیی ندارد و درهم آمیختن اقتصاد و سیاست این نظام را به بن‌بست رسانده است.

اغلب این اظهارنظرها مبنای علمی نداشته و از منظر ایدئولوژیک مطرح می‌شود. من اساسا با این نگاه که تصور کنیم اندیشه بر ماده تقدم دارد مخالف هستم. ذهنیت نمی‌تواند بر عینیت تقدم داشته باشد. آن دسته از مارکسیست‌هایی هم که این اظهارات را بیان می‌کنند خود ضدمارکسیستی عمل می‌کنند چون تقدم عینیت بر ذهنیت را خود کارل مارکس نیز قبول داشت. تلاش برای نقد و تغییر عینیت به واسطه نگاه ایدئولوژیک و حاکمیت اندیشه، نگاه برعکس به ماجراست. نظام سرمایه‌داری ادوار بحران را در خود دارد. رونق- رکود، رونق- رکود- بهبود، رونق- رکود- بهبود- بحران و رونق- رکود- بهبود- بحران- بهبود، ادوار چهارگانه این نظام است. آنچه در عمل اتفاق افتاده این است که پیامد این ادوار و شدت آن کمتر و دوره‌های رونق بیشتر و طولانی‌تری ایجاد شده است سرعت رشد اقتصادی هم تحت‌تاثیر این عامل کمتر شده است. این کاهش سرعت رشد اقتصادی پیامدهایی داشته است که بازخورد آن اعتراض‌های صورت گرفته در وال‌استریت است. اعتراض‌هایی که برخلاف گفته‌ها و باور بسیاری اصلا گسترش نیافته و بسیار محدود است. اعتراض در ایالات متحده امری عادی بوده و برای اولین بار نیست که چنین اتفاقی رخ داده است. اتفاقاتی که در ایالات متحده در حال رخ دادن است اتفاقاتی است که در همه جای دنیا در حال رخ دادن است، نظام سرمایه‌داری طبیعی و مطابق با فطرت بشر است، چراکه انسان براساس گفته‌های قرآن متکاثر است.

اما نظام سرمایه‌داری در حال حاضر سطح قابل قبول رفاه و اشتغال‌زایی را به مخاطره انداخته است و به نظر می‌رسد با تداوم این روند افراد بیشتری به این جنبش بپیوندند.

فراموش نکنید در کشوری این‌گونه اظهارات بیان می‌شود که کف رفاه مردم ایالات متحده بسیار بالاتر از سقف رفاه مردمش است و دسترسی به مسکن در بالاترین حد خود قرار دارد. در ایالات متحده پایین‌ترین افراد خودرویی سوار می‌شوند که ثروتمندان جوامع دیگر آرزوی آن را دارند. من بحث ایدئولوژیک نمی‌کنم و نظامی را به نظام دیگر ارجح نمی‌دانم زیرا در ایران نظام سرمایه‌داری مثل آمریکا حاکم نشده و بهره‌وری مطلوب اقتصادی رخ نداده است. سوسیالیستی بودن اقتصاد نیست و علت را باید در ساختارهای اجتماعی جست‌وجو کرد. ایدئولوژی به‌عنوان روبنا به زیربنا اثر متقابل می‌گذارد ولی اثر آن فاقد اصالت است. از طرفی وقتی زیربنا تغییر کند، ایدئولوژی کوچک‌ترین مقاومتی نمی‌کند و به راحتی کنار گذاشته می‌شود. به قول «فردریش انگلس» ایدئولوژی لباسی است که بر تن واقعیت‌های سیاسی اجتماعی پوشانده می‌شود، همان‌طور که به قول «لنین» قانون لباس حقوقی قدرت حاکم است.

پس از نظر شما نظام سرمایه‌داری بهترین نظام اقتصادی حاکم و فروپاشی آن محال است.

معنای حرف‌های من این نبود که نظام سرمایه‌داری بهتر از سوسیالیست است. به عقیده من نظام سرمایه‌داری طبیعی‌تر از سایر نظام‌های اقتصادی است و بالطبع انسان سازگاری بیشتری دارد. اما سوسیالیست تنها به درد جامعه فرهیخته می‌خورد و چون چنین جامعه‌ای هرگز اتفاق نمی‌افتد و منابع کمتر از مصارف است، نظام سرمایه‌داری بهتر است. در صورتی که نگاه خود را تاریخی‌تر کرده و غیرایدئولوژیک و گسترده‌تر به جنبش وال‌استریت نگاه کنیم در می‌یابیم این جنبش رادیکال نبوده و به هیچ عنوان گسترده و خواستار نابودی نظام نیست. جنبش وال‌استریت بازتابی از نرخ ۹/۵درصدی بیکاری ایالات متحده است که حتی کمتر از ۱۰درصد بیکاران در آن مشارکت دارند؛ یعنی چیزی حدود یک‌درصد مردم آمریکا و نه ۹۹درصد. بنابراین نباید در مورد ابعاد و گرایش‌های آن بزرگ‌نمایی کرد.

بالاخره این اعتراض‌ها وجود دارد و بی‌نتیجه نیز نخواهد بود.

ایالات متحده دارای یک جامعه دموکراتیک است که همه می‌توانند افکار و عقاید خود را مطرح کنند. آزادی بیان و سایر آزادی‌ها از ویژگی‌های ایالات متحده است و فردی به سادگی می‌تواند در مهم‌ترین مقر اندیشمندی آمریکا علیه هولوکاست صحبت کند و اتفاقی رخ ندهد. صحبت‌هایی که در اروپا به زندانی شدن افراد ختم می‌شود در آمریکا هیچ هزینه‌ای برای گوینده ندارد. پس این جامعه هرگز فروپاشی را تجربه نخواهد کرد. البته این اعتراض‌ها بر ساختارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا تاثیر مثبت خواهد گذاشت. اعتراض بخشی از ذات ایالات متحده است و نمی‌توان به‌واسطه جنبش‌های اعتراضی پایان نظام سرمایه‌داری را متصور شد.

اما در برخی از اظهارنظرها اعتراض‌های رخ‌داده در وال‌استریت ادامه انقلاب‌های اخیر کشورهای عربی قلمداد شد و با اتکا به استدلال‌هایی از پایان نظام سرمایه‌داری سخن گفته می‌شود.

من هیچ فروپاشی یا انقلابی از نوع آن چیزی که در کشورهای جهان عرب رخ‌داده در آمریکا نمی‌بینم، چراکه این انقلاب‌ها اساسا معلول استبداد است نه معلول ساختار اقتصادی.

عکس: مهدی حسنی، شرق

خبر

آغاز به کار نمایشگاه‌های بهاره از ۱۵ اسفند

■ **مهر:** مشاور معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت از آغاز به کار نمایشگاه‌های بهاره از ۱۵ اسفند امسال خبر داد. علیرضا نورا از برگزاری نمایشگاه‌های بهاره در سال‌جاری خبر داد و گفت: براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالا به مناسبت ایام پایانی سال از ۱۵ اسفند سال‌جاری در برخی نقاط کشور آغاز به کار خواهد کرد و به تدریج در تمامی نقاط کشور برگزار خواهد شد.

ادامه از صفحه ۴

نیاز به تفکر جهادی روی دو خط موازی ریل

افزایش پیوسته هزینه‌های اجرایی و توسعه روزافزون فناوری، حذف آن بخش از هزینه‌ها را که نقشی در ارتقای کیفیت ندارند و از لحاظ اجرایی نیز غیرضروری هستند، الزامی کرده است. به‌کارگیری تفکر جهادی در پروژه‌های اجرایی با توجه به پیچیدگی کارها به‌ویژه در طرح‌های بزرگ، می‌تواند به ابزار بی‌چون و چرای مدیریت در کنترل هزینه‌ها تبدیل شود. هدف این روش، از میان برداشتن یا اصلاح هر چیزی است که موجب تحمیل هزینه‌های غیرضروری می‌شود، بدون آنکه آسیبی به کارکردهای اصلی و اساسی طرح وارد آید. مهندسی ارزش، مجموعه‌ای متشکل از چندین روش فنی است که با بازنگری و تحلیل اجزای کار قادر خواهد بود، اجرای کامل طرح را با کمترین هزینه و زمان تحقق بخشد، هزینه طرح در این مقوله نه فقط هزینه‌های طراحی و اجرا، بلکه هزینه‌های مالکیت شامل بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری و هزینه‌های مصرف در سراسر دوره عمر مفید طرح را نیز شامل می‌شود. روش‌های تفکر جهادی می‌تواند موجب اصلاح و ارتقای کیفیت فرآیندها و انجام طراحی‌های جدید در هر مرحله از یک پروژه شود. نوآوری و جنبه‌های کاربردی تفکر جهادی، این روش را از روش‌های سنتی و متعارف کاهش هزینه‌ها متمایز می‌کند. روش‌های سنتی کاهش هزینه‌ها، عموما از تجربیات گذشته، نگرش‌ها و عاداتی که جنبه تکرار به خود گرفته است، تبعیت می‌کند و اثری از خلاقیت در آنها دیده نمی‌شود. تفکر جهادی برخلاف روش‌های سنتی، گردآوری اطلاعات، شناسایی عرصه‌های مشکل‌دار، پیشنهاد و تدوین روش‌ها و طرح‌های ابتکاری، پرورش اندیشه‌های نو و تلفیق همه‌جانبه دیدگاه‌هایی را که قرار است توصیه شود، مطرح می‌کند.

***کارشناس ارشد حمل‌ونقل و بهره‌وری**